

خروج کردی تو بگرد و استغفار نمود باز آن سوی پیشانی وی بر
راوی گوید که من آن سوی را دیدم پیش زان که بریزد و بعد از آن
که ریخته بود و درم بار نیز که رست بود **وازا بخوانت**
از یکی از صالحین که گفت شیخ قیامت را در خواب دیدم که قائم شده است
و سه خطای را در حساب گاه حشر کرده اند بهر اهل نزدیک و از آنجا
بگذریم تا گاه دیدم که رسول صلی الله علیه و آله بر کتا و حوضی نوزست
و حسن و حسین رضی الله عنهما در نماز آب می دهند پیش ایشان
دستم که مرا آب دهدند و پیش رسول صلی الله علیه و آله و سلم
یا رسول الله ایشانرا بکوی کمر آب دهند رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که ترا آب نخواهند داد کنتم چرا یا رسول الله کنت از آن
سبب که در مسابقی تو شخصی است که علی را لعنتی کند و بدی گوید
و تو ویران معنی کنی من کنتم یا رسول الله می ترسم که قصد ملامت
من کند و مرا استطاعت آن نیست که منع وی توانم کرد رسول
صلی الله علیه و آله کاردی بر هند بمنز داد و فرمود که برو و در آب کنی
من در خواب ویران کنتم و پیش رسول صلی الله علیه و آله و سلم
یا رسول الله آنچه فرمودی کردم پس رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که ای حسن ویران آب ده امیر المؤمنین حسن رضی الله
عنه آب داد و من گاشه از وی کنتم و منی دانم که خردم یا نه بعد
از آن از خواب بیدار شدم بسیار ترساک و منوساختم و بنیاز

استغفار

مشغول کنتم تا آن زمان که صبح بدیدم تا گاه آواز مردم برآمد که
فلان کس را بر جامه خواب وی گشته اند و کما تشکان حاکم آمدند
و مسایکنا زبانی گناه گرفته با خود کنتم سبحان الله این خوابی است
که من دیده ام هضای تعازراست ساخته است بر خاسته و پیش
حاکم رفتم و کنتم این کار است که من کرده ام و مردم ازین بی
گناهند حاکم گفت وای بر تو این چیست که می گویی کنتم آن خوابی
است که من دیده ام و هضای تعالی آزار است ساخته است
گناه مزچیت و خواب را با وی حکایت کردم کنتم جزا که الله خیرا
بر خیزد هر که توبی کنی و قوم نیز کنی **هند و از آنجا خوانت**
که علی بن زید رضی الله عنهما گفته است که سعید بن مسیب رحمة الله
شخصی را بمن نمود و کنتم بر خیزد و در برابر من کنتم تو حال ویرا
باز غای چه حاجت که من بر بنیم کنت این شخصی بود که نسبت
با صحاب رسول صلی الله علیه و آله یعنی علی و عثمان رضی الله عنهما
سخنان ناشایسته می گفت بر مناجات کردم که خداوند اگر اینها را
پیش تو ساقه غایبی هست نشانه بر من غای روی این شخص
سیاه شد **وازا بخوانت** که در دیدن شخصی بود که
با امیر المؤمنین علی رضی الله عنه سخنان ناشایسته می گفت سعد
بن مالک رضی الله عنه ویراد غای بد کرد آن شخص شتر خود را
بیزون مسجد گذاشته بود و خرد مسجد در آمده و در میان حلقه